

منطق کیفی حلم و استقامت ذیل آثار فردی و اجتماعی به ابتدای آموزه‌های دینی (مطالعه موردی: ویروس کرونا)

نویسندگان: زهرا شیردل^۱، وجیهه شیردل^۲، دکتر محمدشتا بدرآ
دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۹

چکیده

یکی از مسائل بشر در تمامی اعصار نحوه مواجهه با سختی‌ها و شدائد بوده است که کیفیت مواجهه را به سوی آزمون و خطا در نحوه مدیریت وقایع و حوادث سوق داده است؛ اما وقتی این وقایع به سوی مصیبت در غم از دست دادن عزیزی و یا مهیا کردن زمینه عصیان و گناه و یا نافرمانی و سایر آثار مترتب بر زندگی در سرای مادی پیش می‌رود، بر صعب و سختی آزمون و ابتلا افزوده می‌شود؛ لذا انسان با اعطای نعمت ویژه‌ای از جانب خداوند، مزین به نعمت صبر و حلم و استقامت شد که می‌توانست او را از مواجهه با هر گونه سختی و مضیقه‌ای موفق کند و با افزودن بر قدرت کنترل درونی و کنترل تمامی قوا به ویژه خشم و غضب در مسیر بازگرداندن آرامش و سکینه و طمأنینه به زندگی گام بردارد.

بنا به اهمیت این موضوع که نقش مهمی در رشد مادی و معنوی در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی دارد، پژوهش حاضر که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی تدوین شد، تلاش نمود با بررسی مقوله به ابتدای مصادر ثقلین کبیر - قرآن و روایات - به تبیینی از آثار و تأثیرات صبر و ایستادگی بر زندگی فردی و اجتماعی بپردازد که نتایج تحقیق نشان‌گر اهمیت «عاملیتی» فضیلت حلم و بردباری و استقامت و خصایص آن در دین اسلام و فطرت انسانی بود که به مثابه فصل مشترک خلقت انسان در مواجهه با تنگناهای تاریخی است؛ تحقق مقامی که صابران و استقامت‌ورزان با مزین شدن به آن به ویژه در مواجهه با بلاهای همه‌گیری مثل شیوع ویروس کرونا که به مثابه یکی از خانواده سلسله شرور طبیعی، بلاى عصر معاصر شده است، مسیر گشوده‌سازی برکات الهی را در منطق کیفی سفر معراجی به عالم معنا با پای دل طی می‌کنند و به همین منظور به ارائه بحثی مستوفی در کیفیت مواجهه با ویروس کرونا پرداخته شد.

واژگان کلیدی: حلم و استقامت، آثار فردی، آثار اجتماعی، آموزه‌های دینی، ویروس کرونا

مقدمه

حلم و استقامت در ادبیات و مبانی دینی به عنوان اکسیری است که راه گشایش و فتح برای رسیدن به درجات بالای انسانی را باز می‌کند.

۱. مهندس نرم افزار و کارشناس حقوق قضایی، m78562924@gmail.com

۲. طلبه سطح دوم مدرسه علمیه الزهراء علیها السلام، ragiehesh@gmail.com

۳. دکترای مدیریت دولتی و پژوهشگر جامعه المصطفی صلوات الله علیها، shetabdra14@gmail.com

امام صادق علیه السلام خطاب به پسر جنبد می فرماید:

«لَوْ أَنَّ شَيْعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ»؛ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۰: ۲۱۹)

اگر شیعیانمان استقامت ورزند، ملائکه با آنها دست می دهند.

بر این اساس، حلم و ایستادگی که از آن با تعابیر مختلفی مثل صبوری، تَصَبْر یا خود را به صبر عادت دادن، شکیبایی، استقامت، پایداری و مقاومت و یا سایر تعابیر یاد می شود، از عوامل مهم در مسیر رسیدن به موفقیت با تحصیل اهداف است؛ چرا که حوادث و مشکلات در مسیر رسیدن به مقصد بسیار است، اما باید روحیه استقامت را در خود پرورش داد تا بتوان این راه را به بهترین شکل طی کرد و به مقصد رسید. (ر. ک: محمدشاهی، حلقه علمی بلاغ)

از طرف دیگر، درک معنایی و باطنی مقام صبر که در مبانی دینی از جایگاهی رفیع برخوردار است، نمایانگر ضرورت و اهمیت این فضیلت بزرگ انسانی است؛ چرا که زیست انسانی و عالم خلقت متکثر از ابتلائاتی است که در موارد زیادی با مضایق و رنج‌هایی همراه است که گوهر انسانی در مواجهه با این سختی‌ها صیقل می خورد و به استناد مبنای مقاومت، هر چه انسان در مسیر رو به جلو از صبر و استقامت و حلم درونی و بیرونی برخوردارتر باشد و مجهز به این سلاح تدریجاً اثرگذار شود، مسیر عبودیت را تا ایصال به مقام لقاء به صورت هموارتری طی می کند.

بر این اساس، در مقاله حاضر تلاش می شود با تمرکز بر هدف اصلی که عبارت است از مفهوم‌شناسی منطق کیفی حلم و استقامت و آثار آن به این پرسش راهبردی پاسخ داده شود که آثار صبر و ایستادگی در زندگی فردی و اجتماعی به ابتدای آموزه‌های دینی چیست و چگونه اثبات می شود؟ البته در حوزه پژوهش، تحقیقات گسترده‌ای انجام شده که این پژوهش نیز در راستای سایر تحقیقات، می تواند با رویکردی جدید و دسته‌بندی ساده‌تری به تبیین مسئله‌ای مهم در طول خلقت بشری بپردازد. بیان این نکته لازم است که مورد بررسی مطابق با رویکرد نقلی و مبانی مرجع دینی اعم از قرآن کریم و سنت و سیره خواهد بود.

مبانی نظری منطق کیفی حلم و استقامت

صبر و حلم و استقامت در لغت به معنی آهستگی، شکیبایی، بردباری، شکایت نکردن از بلاها و شداید و انتظار فرج است (معین، ۱۳۸۵: ۵۳۴) و در اصطلاح به خودداری نفس بر طبق مقتضای عقل و شرع گفته می شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ج: ۱، ۵۲۳)

این نوع صفت که یکی از مجموع صفات و فضایل اخلاقی و بلکه دینی به شمار می آید، رهنمون‌ساز به معنا و مفهومی از مسائل و موضوعات است که انسان را در مواجهه با شداید و

تنگناها به اصطلاح آبدیده می‌کند و مرکبی آماده برای حرکت است؛ چرا که تا مرکبی آماده در اختیار انسان نباشد، شرایط رسیدن به مقصد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

نبی مکرم اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«الصَّبْرُ خَيْرٌ مَّرْكَبٍ»؛ (مشرف الشامی العاملی، ۱۳۴۲: ۲۹) صبر، بهترین مرکب سواری است.

بر این اساس، با استعانت از حلم و بردباری و استقامت می‌توان برای غلبه بر مشکلات به مستمسکی وثیق در مسیر تحقق اهداف تکیه کرد.

به طور کلی، در بین صفات اخلاقی اشاره شده در قرآن کریم، صبر و حلم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که حتی وجود مقدس رسول اکرم ﷺ که اشرف مخلوقات و برترین خلق خدا از ازل تا ابد است، به صبر و شکیبایی و استقامت ورزیدن سفارش و بلکه امر شده است که نشان از عظمت این صفت در ساحت قدس ربوبی دارد:

- «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ»؛ (احقاف، ۳۵) پس صبر کن آن‌گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند.

- «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ (هود، ۱۱۲) پس چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد و [از حدود الهی] تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید، بصیر و داناست.

اهمیت و عظمت آیه اخیر تا حدی است که حضرت پس از نزول این آیه فرمودند:

«شَيبَانِي سُوْرَةُ هُوْدٍ لِمَكَانِ هَذِهِ الْآيَةِ»؛ (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۹۹) سوره هود با نزول این آیه مرا پیر کرد.

در عین حال، این تأکید و تمرکز بر صفت صبر و حلم و ایستادگی در منطق قرآن کریم و در پیشگاه الهی بی‌اجر و مزد نیست؛ چه این‌که برای صابران پاداش‌های بزرگی در نظر گرفته شده است که بزرگ بودن این پاداش در کلام حق تعالی به مثابه نیکوترین صورت بیان شده است و حاکی از غیر قابل توصیف بودن پاداش آن با محاسبات مادی و این‌دنیایی است:

«وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (نحل، ۹۶) و به طور مسلم به نیکوترین صورت پاداششان را خواهیم داد.

این بزرگ بودن پاداش تا بدان جا ادامه می‌یابد که امام جعفر صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام موسی کاظم علیه السلام چنین نقل می‌نمایند:

من در برابر کارهایی از غلامم و برخی افراد خانواده‌ام صبر می‌کنم که گویی از حنظل در کامم تلخ‌تر است. هر کس شکیبایی کند و خویشتندار باشد، بدین پایداری درجه روزه‌گیر شب زنده‌دار و درجه شهیدی که در رکاب پیامبر شمشیر زده است، به دست آورد. (قمی، بی‌تا: ۲۲۶)

در ادامه به برخی از مهم‌ترین پاداش‌های مورد اشاره در قرآن کریم پرداخته می‌شود:

- بهره‌مندی از نعمات خاص (ر. ک: انسان، ۱۲)
- پاداش مضاعف (ر. ک: قصص، ۵۴)
- وصال به مقام محمود (ر. ک: اسراء، ۷۹)
- استقرار در جایگاه امن و مطمئن (ر. ک: فجر، ۲۸-۲۷).

به واسطه همین اهمیت صبر و ایستادگی در مصادر مرجع دینی بر مزین ساختن خود به این صفت در تمامی سکنات و حالات تأکید شده که گاهی با توصیه و سفارش است و گاهی به صورت امری و دستوری؛ هم‌چنان که در قرآن کریم که واژه صبر و مشتقات آن ۱۰۳ بار به کار رفته، در برخی آیات به صورت امری با تعبیر «إصبر» به کار رفته (ر. ک: انفال، ۴۶؛ اعراف، ۸۷؛ یونس، ۱۰۹؛ طه، ۱۳۰؛ هود، ۱۱۵ و ۴۹؛ کهف، ۲۸؛ روم، ۶۰؛ غافر، ۷۷ و ۵۵؛ لقمان، ۱۷؛ طور، ۴۸؛ قمر، ۲۷؛ مزمل، ۱۰؛ معارج، ۵) و در آیات دیگر به همراهی خداوند با صابران و دوست داشتن آن‌ها توسط خدای متعال با تعبیر «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» یا «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» اشاره شده است. (ر. ک: بقره، ۲۴۹ و ۱۵۳؛ آل عمران، ۱۴۶؛ انفال، ۴۶ و ۶۶)

در روایات نیز این معنا به فراوانی مشاهده می‌شود که جهت تجنب از تطویل به یک نمونه اشاره می‌شود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام در وصیت مشهوری که خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام مرقوم داشته‌اند، ایشان را به پوشاندن لباس صبر سفارش نموده است:

«وَأَشْعِرْهُ بِالصَّبْرِ»؛ (نهج البلاغه، نامه ۳۱) لباس صبر بر قلب بپوشان.

نکته قابل تأمل و پُر معنا در این میان، تحویل بردن صبر بر قلب است؛ چه این‌که منظور این است که حلم و استقامت، همانند لباس زیر به قلب می‌چسبد و با متن و حاق قلب تماس پیدا می‌کند؛ لذا این نوع لباس که در قلب تأثیر دارد، حالتی در قلب به وجود می‌آورد که او را از جزع و بی‌تابی رها می‌سازد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۲)

مطلب دیگر این که صفت حلم و بردباری با توجه به منظومه هماهنگ فضایل اخلاقی در دین اسلام، نقش چترگستر و زمینه‌ساز تحقق سایر فضایل را دارد؛ چرا که برای آراستن هر فضیلت و پیراستن هر رذیله‌ای از خود و جامعه، صبر لازم است و صبوری باید کرد؛ چون هر کجا بی‌طاقتی و بی‌صبری و ناشکیبایی و عدم ایستادگی پیش آید، فرد و جامعه از پی‌جویی هدف خود بریده شده و به سمت ارتکاب و عصیان گام برمی‌دارد؛ لذا صبر و حلم علاوه بر هماهنگ بودن با سایر فضایل انسانی، نقشی چترگستر و زمینه‌ساز برای تحقق سایر فضایل و تجنب از رذایل دارد.

قرینه مدعا را می‌توان در مناسبات تاریخی حاکم بر تاریخ مشاهده کرد که همواره در جدال «حق و باطل» و ستیز و سلطه‌گری نظام سلطه با تقسیم‌بندی «سلطه‌گر» و «سلطه‌پذیر» با خروجی غلط آن در قالب کشورهای جهان اول تا جهان سوم و در نقطه مقابل آن، نظام بر سلطه در حال جولان بوده و تا قیام قیامت چنین خواهد بود؛ لذا مقاومت و ایستادگی در مقابل نظام سلطه که منطق او تطمیع و ارعاب و تهدید است و به اصطلاح با زبان «قلدری» است، دشمن را وادار به عقب‌نشینی می‌کند؛ اما هر چه در مقابل دشمن با تمسک به رویکردهای سازش و به اصطلاح «دیپلماسی لبخند و التماس» مواجه شد، دشمن جری‌تر شده و بیشتر یورش می‌آورد.

قرآن کریم، وضعیت دشمن در نظام سلطه را گونه‌ای تشریح می‌نماید که می‌توان از سرگذشت تکذیب‌کنندگان و تمثیل ایشان به «سگ»، پی به رمز و راز آن در ارتباط با «منطق مقاومت» برد:

«وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَا بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَافْضُصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ (اعراف، ۱۷۶) و اگر می‌خواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می‌بخشیدیم، لیکن او به زمین فروماند و پیرو هوای نفس گردی، و در این صورت مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن تکذیب کردند. پس این حکایت بگو، باشد که به فکر آیند.

به همین سبب گفته می‌شود هزینه مقاومت و ایستادگی از هزینه سازش به مثابه ظلم‌پذیری کمتر است که از جمله این ایستادگی‌ها، مقاومت در عرصه‌های اقتصادی و جنگ نرم است که با تحکیم بنیان‌های درونی اقتصاد با درون‌زایی و برون‌تراوشی ذیل سیاست‌های جامع «اقتصاد مقاومتی»^۱ می‌توان حربه دشمن در اعمال سیاست‌های تحریمی را خنثی یا کم‌اثر کرد و همین اقتدار درونی

موجبات کنار گذاشتن حربه‌های تحریمی را در آینده موجب می‌شود؛ چرا که تکانه‌های اقتصاد جهانی و سیاست‌های تحریمی، آثار منفی بر اقتصاد درون‌زا نخواهد داشت و یا واجد آثاری حداقلی خواهد بود که تأثیر گسترده‌ای در معیشت و شاخص‌های اقتصاد کلان جامعه نخواهد گذاشت:

اقتصاد مقاومتی؛ یعنی اقتصادی که از درون می‌جوشد و احتیاج ما را به دیگران کم می‌کند و استحکام کشور را در مقابل تکانه‌های خارجی افزایش می‌دهد. (امام خامنه‌ای، دیدار با مردم اصفهان، ۲۶ آبان ۱۳۹۵)

از طرفی، قرآن کریم با توجه به نقش صفت مقاومت و ایستادگی بر سایر صفات اخلاقی و انسانی و هماهنگی آن با سایر صفات، گاهی همین معنای صبر و حلم را در تعابیر دیگری به کار می‌برد که به برخی از نمونه‌های آن اشاره می‌شود:

- یقین (ر. ک: سجده، ۲۴)

- شکر (ر. ک: ابراهیم، ۵؛ لقمان، ۳۱؛ سبأ، ۱۹؛ شوری، ۳۳)

- توکل (ر. ک: نحل، ۴۲)

- نیایش (ر. ک: بقره، ۱۵۳)

- عمل صالح (ر. ک: هود، ۱۱).

بیان این نکته نیز لازم است که صبر و حلم و مقاومت و خود را در موضع صبر و ایستادگی قرار دادن و عادت دادن به آن در عین این‌که از حیث معنایی و کلیات، مفهومی مشترک بوده و بر پایداری و مقاومت و مناعت طبع تمرکز داشته و بر بلندای عرفان گام می‌گذارد؛ اما به واسطه ریزه‌کاری‌های مفهومی در مبانی دینی، تمایز مستتری نیز میان آن‌ها مشاهده می‌شود که به این وجه اشتراکی و افتراقی اشاره می‌شود.

قائلین به عدم تفاوت میان صبر و حلم ایستادگی معتقدند:

- «والحليم في صفة الله عز وجل: معناه الصبور»؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۱۴۵)

حليم که یکی از صفات پروردگار است، معنایش صبور است.

- «وصف الله بالصبر انما هو بمعنى الحلم وهو تأخير العقوبة عن المستحقين لها»؛

(حقی بروسوی، بی‌تا، ج: ۱: ۱۲۵) توصیف خداوند به صبور بودن، معنایش حلم خداست؛

یعنی تأخیر انداختن عذاب کسانی که مستحق عذاب هستند.

در نقطه مقابل این دیدگاه، قائلین به تفکیک و تفاوت هستند که این دسته معتقدند:

- «الحلم: ضبط النفس عن هیجان الغضب»؛ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۳).
- «الحلم بمعنى إنضباط النفس والطبع عن هیجان الغضب وعن الإحساسات وحصول حالة السكون والطمأنينة والصبر فی مقابل ما لا یلائم الطبع فی مقابل العجلة والطیش والنزق والغضب»؛ (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۷۲).
- حلم خودداری شخص در برابر هیجانات غضب و احساسات و به دست آوردن حالت آرامش، اطمینان و بردباری است، در برابر عجله که با طبع بشر سازگاری ندارد.
- صبر و ایستادگی ضد و مقابل بی تابی و جزع و فزع نمودن و حالت خویشتن داری در برابر ناملایمات و اموری است که از بیرون بر انسان وارد می شود و انسان باید در برابر آن خویشتن داری نموده و مشکل را حل کند؛ اما حلم در مقابل خشم و غضب و ضد آن هاست؛ یعنی اگر برای انسان حادثه ای پیش آمد و او عصبانی نشد، این جزو صبر نیست، بلکه جزو حلم است.
- به عنوان مثال؛ هر گاه بار سنگین غضبی بر انسان وارد می شود، اگر این غضب او را وادار کرد که خلاف بگوید و دست به خلاف بزند، معلوم می شود که حلیم نیست، اما اگر عند الغضب، آن طیش و حمله و خشم را مهار کرد و این بار سنگین غضب را به دوش کشید، می گویند او شخصی حلیم است که در تعبیرات فارسی می گویند بردبار است. چنین شخصی از درون استوار است و آتشفشان خشم خود را فرو می کشد و بر اساس عقل و علم رفتار می کند نه بر اساس هیجان و عواطف و احساسات. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۹۴)
- الفرق بین الحلیم و الصبور ان المذنب لا یأمن العقوبة فی صفة الصبور كما یأمنها فی صفة الحلیم؛ (حقی بروسوی، بی تا، ج ۱: ۱۲۵) فرد گناهکار در برابر شخصی که صفت صبور دارد، ایمن از عذاب نیست؛ اما در برابر شخصی که صفت حلیم دارد از عذاب ایمن است.
- گاهی صبر وجود دارد، اما در مرتبه کلامی و در مقام حفظ ظاهر است؛ یعنی اگر کسی فرد مواجه شده با مشکل که به عنوان مثال فرزند یا عزیزی از دست داده، دچار ورشکستگی مالی شده و مواجه شده با هر مسئله دیگر را مشاهده کند در حالی که او آرام است، به طور طبیعی گمان می کند او در مقام تحمل قرار دارد؛ اما هر گاه این تحمل به چشیدن لذت آزمون و ابتلای الهی مبدل شود و فرد صبور بداند و بفهمد که

این محمل صبر، آزمون و امتحانی برای ارتقای مقامات و روح اوست، این نوع صبر به قلب و جان انسان بازمی‌گردد؛ لذا صبر هر چند در هر درجه‌اش ممدوح است، اما میان صبر ظاهری با صبر عجین گشته با دل و جان که برای انسان به ملکه و عادت‌ی ارادی تبدیل شده، تفاوت معناداری وجود دارد که تنها آن دسته افرادی که در مسیر صبر پیشگام باشند، می‌توانند به این مقام و مقامات و سفر به ماورا برسند.

قرآن کریم در توصیف این دسته از انسان‌ها می‌فرماید:

«وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»؛ (فصلت، ۳۵)

و به این مقام نمی‌رسند جز کسانی که شکیبا بوده و از بهره‌ای بزرگ بهره‌مند باشند.

بنابراین، صفت حلم زمانی که به انسان نسبت داده شود، از شریف‌ترین صفات انسانی و در ستایش غریزه بشری است که باعث ترقی انسان به سوی کمالات می‌شود و انسان به وسیله این صفت می‌تواند به سکون و آرامش دست یابد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۷۲)

به طور کلی، زندگی انسان بنا به ترسیم‌گری نظام خلقت با سختی و ابتلا و رنج همراه است (ر. ک: بلد، ۴) که هر چه انسان با صبر و حلم و مقاومت در این مسیر موفق‌تر شود، به همان میزان و بلکه بیشتر به اکتساب فضایل و مقامات روحانی نائل خواهد آمد؛ مضافاً آن‌که با هر سختی و رنجی، آسانی و ساده‌شدنی نیز وجود دارد که این معنا از آیه جذاب قرآن کریم اخذ شده است که: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (انشراح، ۷) مسلماً با [هر] سختی آسانی است.

نتیجه و نظر مختار آن‌که صبر و حلم در عین اشتراک معنایی، تفاوتی اصطلاحی در معنای علم اخلاق با هم دارند؛ اما چون نوع تفاوت از جنس ناهمسنخیتی نیست و موضوع پژوهش نیز به صورت وجه جمع میان منطق کیفی صبر و حلم و شکیبایی و استقامت و پایداری و سایر صفات مترتب بر آن به منظور نمایش آثار فردی و اجتماعی و در حوزه کارکردی است، در این پژوهش تعمداً از تفاوت جزئی میان این دو چشم‌پوشی می‌شود و تکیه بر معنای مشترک میان آن‌ها می‌شود.

گونه‌شناسی صبر و حلم

صبر و حلم و ایستادگی بسان سایر صفات و فضایل اخلاقی و انسانی به انواع و اقسامی تقسیم می‌شوند که با تتبع انجام شده، به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی سه‌گانه پیامبر اکرم ﷺ مشهورترین تقسیمات مرسوم باشد:

«الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَصَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ»؛
 (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۷۸) صبر بر سه قسم است: صبر هنگام مصیبت، صبر بر طاعت
 و صبر از معصیت.

صبر هنگام مصیبت در قرآن کریم به این کیفیت است:

«وَلَبَّوْا نَفْسَكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ
 الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»؛ (بقره، ۱۵۶-۱۵۵)
 و قطعاً شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جانها و محصولات
 می‌آزمایم و مژده ده شکیبایان را، کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد می‌گویند ما از آن
 خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم.

منطق کیفی این نوع، به معنای صبر بر انواع بلاهاست که بلاها اگر کفاره گناهان باشند و فرد
 به این باور برسد که خداوند از روی فضل و کرم این بلاها را در عوض عذاب آخرت قرار داده، صبر
 شیرینی خواهد بود و رضایت به قضای الهی را در بر خواهد داشت (حبیبیان، ۱۳۶۹: ۷۵)
 که عالی‌ترین مصداق این نوع صبر را می‌توان در جریان کربلا و نزد امام حسین علیه السلام و یا حضرت
 زینب کبری علیها السلام مشاهده کرد که در پاسخ به جملات کفرآمیز ابن مرجانه و در کاخ او پس از دیدن آن
 صحنه‌های هولناک که مثل آن در تاریخ تکرار نشده است، فرمود:
 «وَمَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»؛ (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۵) به جز زیبایی چیزی ندیدم.

این معنای صبر هنگام مصیبت و صبر جمیل در حدیث قدسی نیز وارد شده است:

«إِذَا وَجَّهْتَ إِلَى عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِي مُصِيبَةً... ثُمَّ اسْتَقْبَلَ ذَلِكَ بِصَبْرٍ جَمِيلٍ اسْتَحْيَيْتُ
 مِنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَنْصِبَ لَهُ مِيزَانًا أَوْ أَنْشُرَ لَهُ دِيْوَانًا»؛ (آلوسی بغدادی، بی تا، ج ۲۹: ۱۲۰)
 هنگامی مصیبتی را متوجه یکی از بندگانم می‌کنم و او با صبر جمیل با آن برخورد
 می‌کند، حیا می‌کنم که در قیامت نامه عمل او را بگشایم و اعمالش را بسنجم.

مطابق با قواعد این نوع صبر که از آن به عنوان «صبر جمیل» یاد می‌شود، لازم است انسان
 شکیبایی کند و چهره این شکیبایی را با سخنان زننده که نشانه ناسپاسی و عدم تحمل حادثه است،
 زشت نسازد؛ چرا که فرد با ایمان و پُرظرفیت کسی است که در حوادث، پیمانانه صبرش لبریز
 نمی‌گردد و سخنی که نشان دهنده ناسپاسی باشد، بر زبان جاری نمی‌سازد. (مکارم شیرازی،
 ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۳۵۱)

قسم دیگر، صبر بر اطاعت است که در قبال تکالیف دینی بر عهده مکلفین نهاده شده است:
«رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا»؛
(مریم، ۶۵) همان خدایی که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و هر چه بین آن‌هاست، پس
باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن. آیا دیگری
را مانند او به نام خدا خواهی یافت؟

این نوع صبر، توأم با سختی‌هایی است که امام صادق علیه السلام در توصیف آن می‌فرماید:
ضربه بلاها و مصیبت‌های راه عبادت، همانند برخورد سنگ با تخم مرغ، شکننده است؛
از این رو پیش از آن‌ها صبر خلق شد تا سنگ زیرین آسیاب زندگی مؤمن باشد و با گرفتن
ضربه‌ها مانع از وارد آمدن همه فشارها به روح مؤمن گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج: ۵، ۴۹۸)

به نظر می‌رسد این نوع صبر اگر شیرینی آن چشیده شود، به چشیدن لذت عبادت و شیرینی
بندگی منجر خواهد شد.

قسم سوم نیز صبر از معصیت است که انسان باید در مواجهه با صحنه‌های گناه‌آلود و زمینه‌های
گناه نلغزد و مراقب گفتار و کردار و اعمال خود باشد و بلکه در این راه استقامت بورزد و دامن خود
را به گناه و عصیان آلوده نسازد که در غیر این صورت به شقاوت و مسخ‌شدگی گرفتار خواهد شد.
(ر. ک: مانده، ۶۰)

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَئِنْ أَذَقْنَا نِعْمَاءَ بَعْدَ ضِرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورًا»؛
(هود، ۱۰) و اگر آدمی را به نعمتی پس از محنتی که به او رسیده باشد رسانیم، گوید که
دیگر روزگار زحمت و رنج من سرآمده، سرگرم شادمانی و مفاخرت گردد.

رسیدن به صبر از معصیت، به سادگی گفتن آن نیست؛ هم‌چنان که ملا محسن فیض کاشانی
صاحب اثر ارزشمند «محجة البیضاء» می‌نویسد:

«الْبَلَاءُ يَصْبِرُ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنُ وَالْعَوَافِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهَا إِلَّا الصَّادِقُ»؛ (فیض کاشانی، بی‌تا: ۳۰۹)
بنده مؤمن بر بلا صبر می‌کند، اما فقط انسان صدیق است که از گناهان می‌گذرد.

شباهت این وجه مفارقت و مرز میان «مؤمن» و «صدیق»، تذکار افتراق میان «مخلص»^۱ و «مخلص»^۲ در قرآن کریم است که تمثیل منتسب به امام خامنه‌ای که علی‌الظاهر در یکی از جلسات «درس خارج» داشته‌اند، حلاوت معنایی آن را آشکار می‌کند به این مضمون که:

فردی در نظر گرفته شود که کار خیری در مورد شخصی صرفاً برای رضای خدا انجام می‌دهد و دیگری جز خود، آن فرد و خدا که ناظر اعمال است، متوجه آن عمل نیست. فرد نیکوکار حسب اتفاق در جمعی قرار می‌گیرد و نیکی او توسط فرد دوم فاش می‌شود؛ این جا تفاوت میان مخلص با کسر «ل» و مخلص با فتح «ل» عیان می‌گردد، چرا که فرد «مخلص» هر چند عمل را برای رضای خدا انجام داده، اما از این که عمل نیکش فاش شده و دیگران پی به وجاهت و مقام او می‌برند، در دل خود شادمان می‌گردد، حتی اگر شادی را در ظاهر و چهره خود نشان ندهد؛ اما فرد «مخلص» به نزد خدا شکوه می‌کند که تا زمان حیات نمی‌خواستم احدی از عمل نیکم پرده‌برداری کند، چون او فقط با خدا معامله کرده است که وقتی معامله با خدا به طور کامل انجام گردد، معنا و مفهومی متمایز با دخالت و شراکت سایرین دارد.

قوامیت این مطلب نیز برگرفته از روایت امام جعفر صادق علیه السلام است که از کلام الهی می‌فرماید:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مَنَ أَشْرَكَ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ عَمِلَهُ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصًا»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۹۵، ح ۹) خداوند عزّ و جلّ فرموده است: من بهترین شریک هستم. هر کس در کاری که می‌کند، شریکی برای من قرار دهد، آن کار را نپذیرم، جز عملی که خالص برای من باشد.

مطلب دیگر این که کسانی که بر ترک گناه صابرنند، معمولاً صبر بر طاعت و مصیبت نیز دارند و آنان که در اطاعت خدا صابرنند، صبر بر مصیبت نیز دارند؛ (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۹۸) هم‌چنان که خواجه عبدالله انصاری در مقام عارفی متأله و الهی معتقد است:

- سالک، وعید خداوند را پیوسته در نظر دارد و این صبر بر مصیبت برای آن است که ایمانش باقی و پایدار بماند و از کیفی در امان ماند و برتر از آن این است که صبر بر عدم ارتکاب گناه از روی حیا باشد. (شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۱۱)

لذا خواجه عبدالله ترسش پیش از فرجام، به تأمل در گذشته و آغاز کار بازمی‌گردد که گردنه‌های صعب العبور با معجزه صبر، قابل عبور است:

۱. ر. ک: عنکبوت، ۶۵؛ بینه، ۵.

۲. ر. ک: یوسف، ۲۴؛ ص، ۸۳؛ صافات، ۴۰.

- الهی! همه ترسند که فردا چه خواهد شد، عبدالله می‌ترسد که دی چه رفته است.
(انصاری، ۱۳۸۰)

البته تقسیمات دیگری نیز می‌توان برای صبر و حلم و ایستادگی قائل شد از جمله دو تقسیم‌بندی زیر و سایر تقسیماتی که در منابع اخلاقی و مجامع روایی قابل حصول است که به منظور جلوگیری از طولانی شدن این مبحث، به همین میزان اکتفا می‌شود:

- امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَىٰ مَا تَكَرَّرَ وَصَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ»؛
(نهج البلاغه، حکمت ۵۲) صبر بر دو قسم است: صبر در برابر انجام کار خوبی که دوست نداری و صبر بر ترک کار بدی که دوست داری.
- صبر عامه (صبر برای خدا)، صبر مرید (صبر به حول و قوه خدا)، صبر سالک (صبر بر حکم خدا). (شیروانی، ۱۳۷۹: ۱۱۳)

خصایص و اسوه‌های حلیمان و استقامت‌ورزان در معارف دینی

شناسایی هر فرد و قومی به واسطه ویژگی‌ها و شرایط عام و خاصی که دارند، فطری و غریزی یا اکتسابی امکان‌پذیر است که صابران و حلیمان نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ لذا با ویژگی‌های خاص خود شناخته می‌شوند که در جدول زیر به برخی از مهم‌ترین این خصایص که با برداشتی شهودی از مفاهیم و ادبیات دینی احصا شده، اشاره می‌شود؛ هر چند تبیین این خصیصه‌ها با توجه به بسط اشتدادی و توسع مفهومی اصل مقوله که قائلین به آن را شبیه خود می‌کند، گسترده‌تر از جدول زیر است و اکتشاف تمامی ابعاد و مؤلفه‌های آن با استفاده از مطالعات پایه و پانل دلفی، می‌تواند موضوع تحقیقات گسترده‌تری باشد.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱: خصایص صابران و استقامت‌ورزان

ردیف	خصیصه	ردیف	خصیصه
۱	راضی به رضای الهی	۱۲	مقابله با تنیدگی و کاهلی و بی‌انگیزگی
۲	تسلیم در برابر امر الهی	۱۳	مدیریت و کنترل هیجانات
۳	شکر و اطاعت و عبادت الهی با وجود مصائب گوناگون	۱۴	سختکوشی و تلاش فراوان
۴	تلاش در جهت کسب رضایت خدا	۱۵	بزرگی روح و توان تحمل سختی‌ها
۵	خویشترن‌دار و متوکل به خدا	۱۶	برخورداری از توان و مقاومت بالا
۶	بهره‌مندی از عقل	۱۷	اهل گذشت از ظلم و اشتباهات دیگران
۷	مبارزه با تمایلات نفس‌اماره	۱۸	حلم در برابر زخم زبان و تهمت و کنایه‌ها
۸	بردباری و حلم در تعاملات اجتماعی	۱۹	توانایی کنترل خشم و غضب
۹	هدفداری و ارزشمند بودن هدف	۲۰	سکوت و حفظ آرامش در مواجهه با مصائب
۱۰	برخورد منطقی با پدیده‌ها و حوادث	۲۱	صلابت و ثبات رأی و ثابت قدم بودن
۱۱	خودکنترلی در موقعیت‌های مختلف	۲۲	یاد مرگ و در انتظار مرگ بودن

از طرف دیگر، در فرهنگ و معارف اسلامی و با مطالعه تاریخ ادیان و تاریخ اسلام می‌توان نمونه‌ها و اسوه‌های موفق و حتی مشهوری از صابران و حلیمان و استقامت‌ورزان و آراستگان به این صفت ویژه مشاهده کرد که برخی از این دسته در قرآن کریم مورد عنایت و تمجید قرار گرفته‌اند. از جمله این افراد می‌توان به نوح نبی، ایوب نبی، اسماعیل نبی، ادریس نبی، ذالکفل نبی (ر. ک: انبیاء، ۸۵)، یعقوب نبی و پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام اشاره کرد (ر. ک: احقاف، ۳۵)؛ هر چند اگر بخواهیم سیمای صابران و استقامت‌ورزان و اسوه‌های ایشان را در معارف دین اسلام جستجو کنیم، الگوی ائمه اطهار علیهم‌السلام نمونه‌های بی‌مثالی هستند که برای همیشه تاریخ الگو خواهند بود. در ادامه تنها به دو نمونه از این مصادیق اشاره می‌شود:

- دوران پسا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حجم فشارها بر امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام

این دوران حدوداً سه دهه‌ای بسیار سخت گذشت و در دوران بازگشت به منصب «غدیر خم» نیز سه جنگ بر حضرت تحمیل کردند؛ در حالی که مجموع این دوران، کمتر از ۵ سال بود؛ لذا حضرت در بیان این وقایع پس از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آن جمله تاریخ را فرمودند:

«رَأَيْتُ أَنَّ الصَّبْرَ عَلَى هَاتَا أَحْجَى فَصَبْرْتُ وَفِي الْعَيْنِ قَدِّي وَفِي الْحَلْقِ شَجِي»؛

(نهج البلاغه، خطبه ۳) مشاهده کردم صبر و استقامت به عقل و خرد نزدیک‌تر است،

از این رو با این که همانند کسی بودم که خاشاک چشمش را فرا گرفته و استخوان در راه گلویش گیر کرده بود، صبر و استقامت نمودم.

- واقعه کربلا و حالات امام حسین علیه السلام

حمید بن مسلم که در کتاب های مقاتل و اسناد تاریخی به عنوان یکی از روایان واقعه کربلا از او نام برده می شود و از لشکریان سپاه عمر بن سعد بوده، با مشاهده حالات حضرت در بحبوحه ایصال به وقت شهادت، چنین ترسیم گری می کند:

سوگند به خدا هرگز مرد گرفتاری را ندیدم که فرزندان و خاندان و یارانش کشته شده باشند، در عین حال دلاورتر از حسین باشد. او با شمشیر بر دشمنان حمله می کرد و آن ها از طرف راست و چپ مانند روباهانی که از حمله شیر می گریزند، فرار می کردند و هم چون ملخ های پراکنده در پیش رویش پراکنده می شدند؛ سپس حسین به مرکز خود باز می گشت و می گفت: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ». (لهوف، ۱۳۸۵: ۱۴۵)

مطلب دیگر آن که آراستگان به صفت صبر و استقامت در مورد غیر شخص و به صورت جمعی نیز قابل اشاره هستند؛ به عنوان مثال، یک قوم یا منطقه یا شهر به این صفت متمسک شوند که در این صورت، همگی قابل تمجید خواهند بود.

نقش «عاملیتی» حلم و استقامت و آثار فردی و اجتماعی

بررسی آثار، کارکردها و تأثیرات صبر و مقاومت از جنبه های مختلف و با رویکردهای متنوعی قابل پی جویی است که بنا به هدف پژوهش به بررسی تأثیرات آن از حیث فردی و اجتماعی پرداخته می شود:

۱. تأثیر بر زندگی فردی

- افزودن بر درجه ایمان و یقین و طمأنینه

قرآن کریم می فرماید:

«وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ»؛ (حجر، ۹۹) و دائم به پرستش خدای خود مشغول

باش تا یقین بر تو فرا رسد.

بر این اساس، صبر در زندگی فردی به مثابه عاملی است که موجب بالا رفتن تمرکز و توجه و نگاه به ماورا است که همین مطلب، رویکرد را به خالق هستی بخش جلب می کند؛ لذا انسان صابر و حلیم روز به روز بر درجه ایمانش افزوده می شود که همین ایمان به ازدیاد یقین و رسیدن به طمأنینه منجر خواهد شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام با توجه به این مسئله، می فرمایند:

«أَصْلُ الصَّبْرِ حُسْنُ الْيَقِينِ بِاللَّهِ»؛ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج: ۱، ۳۷۳) اصل صبر،

نیکویی یقین به خداست.

- رحمت و امداد خداوند

صبر و حلم از عوامل دستیابی به رحمت الهی به ویژه رحمت خاص و ویژه است که مخصوص بندگان صابر است؛ (ر. ک: بقره، ۱۵۷ و ۱۵۵؛ نحل، ۱۱۰؛ انبیاء، ۸۶-۸۵؛ ص، ۴۴-۴۳؛ حجرات، ۵) هم چنین از آثار صبر و حلم در فرهنگ قرآنی، امدادهای قطعی خداوند است که اگر صبر پیشه گرفته شود، خداوند عنایت خاص خواهد داشت و از طرق و راههایی که انسان گمان نمی کند به او کمک می کند تا به هدف و مقصود خویش برسد. این وعده حق الهی است که در صورت شکیبایی می تواند مورد کمک و امدادهای خاص قرار گیرد. (ر. ک: انعام، ۳۴؛ نحل، ۱۲۸-۱۲۷؛ روم، ۶۰)

- اثرگذاری مثبت بر روح و روان انسان

وقتی انسان واجد ملکه صبر و استقامت شود، به مرور زمان از توانمندی روحی و روانی بالاتری برخوردار خواهد شد تا جایی که به تدریج از اضطراب و استرس که از بیماری های شایع این عصر است رها شده و به جای نقد بدون مسئولیت و رها شدن در گرداب عیب جویی و گله و شکایت کردن از دیگران و یا نمایش ضعف های درونی خود با غیبت و تهمت زدن به دیگران، برای خود مسئولیت فردی و اجتماعی تعیین می کند و روح و روان خود را برای مقابله با مسئولیت های زندگی صیقل می دهد.

- در نظر داشتن سهل شدن با هر صعب شدن

قرآن کریم می فرماید:

«فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (انشراح، ۶-۵) پس با هر سختی البته آسانی

هست و با هر سختی البته آسانی هست.

این تأکید دوباره بر همراه بودن آسانی با هر سختی و نه این که بعد از هر سختی، آسانی باشد نشان می دهد این سخت شدن امور حاکی از آزمایش و ابتلایی است برای سنجیدن عیار انسان؛ همان طور که یک معلم در کلاس درس با علم به توانمندی دانش آموزان به منظور ایجاد فرصتی برای محک و سنجش و شناخت خود دانش آموزان نسبت به خود، آزمون می گیرد. این جا نیز در پی آزمایشات

قرار است عیار هر فرد سنجیده شود؛ چرا که هر مقامی به هر کس داده می‌شود، متناسب با نمایش ظرفیت خود در پی همین آزمایشات است و البته با توجه به این که عرصه عالم، عرصه علی‌الدوام آزمایشات است؛ پس دانستن این که با هر سختی، آسانی همراه است به معنای حفظ آرامش و خود را نباختن است.

پیامبر اکرم ﷺ در همین ارتباط می‌فرماید:

«لَوْ دَخَلَ الْعُسْرُ كَوَّيَّ جَاءَ يُسْرَانٍ فَأَخْرَجَاهُ»؛ (التنوخی، ۱۳۹۸، ج: ۱، ۱۷۵) اگر یک سختی

از روزنه‌ای وارد شود، دو آسانی او را بیرون می‌کنند.

- مقاوم شدن در برابر شدائد

هر چه صبر و استقامت انسان بیشتر شود، اولاً فلسفه وقوع آزمایشات و ابتلاها درک می‌شود و ثانیاً به فراخور این درک، راهبردهای مبارزه با سختی‌ها در عین قرار دادن خود در حالت مواجهه نیز حرفه‌ای‌تر و پخته‌تر می‌شود که معنا و مفهوم تقوا نیز همین است؛ یعنی خودنگهداری در تمامی حالات و در مواجهه با سختی‌ها و شدائد نه آن چنان که برخی به اشتباه، تقوا را پرهیزکاری و اجتناب معنا می‌کنند؛ بلکه تقوا به معنای بالا بردن سطح خود از تأثیرپذیری‌های رایج و دارجی که حتی ممکن است مسیر انسان را در صورت غفلت، تغییر دهد.

- استقامت و پایداری

یکی دیگر از آثار صبر و استقامت که ذیل بند قبل قابل طرح است، شکیبایی از عوامل استقامت به ویژه پایداری بر طریق حق و حقیقت است. (ر. ک: هود، ۱۱۵ و ۱۱۲)

قرآن کریم می‌فرماید: این دسته آیات، همان مفهوم واقعی صبر و حلم است که به معنای مقاومت و استقامت است نه وادادگی و پذیرش ظلم و ستم که به آن «منظلم» گفته می‌شود؛ لذا انسان باید مقاومت و استقامت بورزد، هر چند که مظلوم واقع شود، ولی منظم نباشد.

- ظاهر شدن خصائل آشکار و نهان

شخص صابر با مقاومتی که در برابر حوادث از خود بروز می‌دهد، به توانایی‌ها و ویژگی‌های پنهان درونی‌اش آگاهی می‌یابد؛ پس صبر، موجب شناخت بیشتر خود می‌شود. (امام خامنه‌ای، ۱۳۵۸:

هم‌چنین، هر چه بیشتر انسان در کوران سختی‌ها قرار بگیرد، هم به گوهر درونی خود بیشتر پی می‌برد و هم در حفظ و کنترل خود با تقویت صفات برجسته آشکار شده‌اش کوشا خواهد شد؛ لذا صبر و حلم، انسان را برای مواجهه با هر پیشامدی مهیا می‌کند.

- ظفرمندی در مسیر تحقق اهداف

پیروزی و موفقیت در انجام کارها از جمله آرزوهای همیشگی انسان‌ها بوده است. کسانی که واقع‌بین نیستند، گمان می‌کنند تنها بخت و تصادف آن‌ها را یاری می‌کند؛ برخی نیز در میان عوامل موجود خود را فراموش می‌کنند و فقط دیگران را به حساب می‌آورند، اما انسان نباید شخصیت خود را فراموش کند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این ارتباط می‌فرمایند:

«لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ»؛ (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۳) انسان شکیباً پیروزی را از دست نمی‌دهد، هرچند زمان آن طولانی شود.

بنابراین، از آن‌جا که صبر سبب موفقیت انسان در کارها می‌شود؛ (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۱۲) نمی‌توان با غفلت و بی‌توجهی از آن عبور کرد و یا مسئله را تحویل به بی‌تفاوتی برد.

۲. تأثیر بر زندگی اجتماعی

- پی‌ریزی مستحکم پایه‌های زندگی خانوادگی و اجتماعی

برای ساختن نوعی از زندگی بر مدار استحکام و قوت که با اندک تلاطمی از هم نپاشد و زندگی را به سمت و سوی طلاق عاطفی، طلاق عینی و یا قهر و غلبه و سایر صفات مذموم و کشنده زندگی در عصر مدرن سوق ندهد، باید به نوشداروی صبر و حلم تمسک جست تا ذهن و قوای ذهنی و جسمی را در مسیر درست به حرکت درآورد.

- افزایش اعتماد به نفس ذیل عزت نفس

در خانواده و جامعه‌ای که صبر به صورت نهادینه شده و ملکه‌وار تقویت شده، اعضای خانواده با اعتماد به نفس بالایی در صدد تحقق نیازها و اهداف بالاتر و والاتر حرکت می‌کنند که همین مسئله سبب ارتقای درجه عزت نفس آن‌ها نیز خواهد شد؛ چرا که اعتماد به نفس، ذیل عزت نفس تعریف می‌شود؛ البته در نظام خانوادگی، این نوع صبر با رشد فضایل اخلاقی توسط پدر و مادر تقویت خواهد شد.

- ایجاد فضای سالم و با نشاط در محیط خانوادگی و اجتماعی

صبر پدر و مادر و اطرافیان در برابر مشکلات و گذشت از خطاهای یکدیگر، فضای خانواده و جامعه را آرام و بانشاط می‌سازد. در چنین فضایی فرزندان نیز از سلامت روحی و روانی مناسبی برخوردار می‌گردند که ثمره تقویت صبر و مشاهده آن توسط فرزندان است؛ چرا که وقتی فرزندان به مشاهده رفتارهای والدین خود می‌پردازند و ملکه صبر و استقامت را می‌بینند، به واقعی بودن آثار آن پی برده و خود را در معرض هم‌آوایی قرار می‌دهند.

- هم‌زیستی صمیمانه و عاشقانه

لازمه برخورداری از ارتباطی تنگاتنگ، ملکه شدن روحیه بردباری و سعه صدر است که وجود چنین روحیه‌ای انسان‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند؛ به ویژه وقتی که این ارتباط در بنیان خانواده صورت گیرد که باعث علاقه‌مندی زوجین به هم، فرزندان به والدین و بالعکس و حتی ارتباطات میان اقوام خواهد شد.

- جلب محبت

در قرآن کریم از دیگر آثار صبر و استقامت را می‌توان در مواجهه با بدرفتاری‌های دیگران و دفع آن به بهترین شیوه به جلب دوستی و زمینه برطرف شدن دشمنی‌ها و کدورت‌ها اشاره کرد که در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. (ر. ک: فصلت، ۳۵-۳۴)

- فرجام نیک

از جمله تأثیرات صبر و استقامت در زندگی اجتماعی، می‌توان به بهره‌مندی از فرجام نیک و عاقبت به خیری اشاره کرد که در قرآن کریم به آن اشاره شده است. (ر. ک: هود، ۴۹؛ طه، ۱۳۲)

- خوشبختی

از مهم‌ترین آثار و پیامدهای صبر و استقامت در نظام خانواده و اجتماع می‌توان به همان فلسفه و غایت زندگی اشاره کرد؛ این‌که هر کسی دوست دارد خوشبخت و سعادتمند باشد، یعنی آرامش و آسایش جاودانه بدون درد و رنج و گرسنگی و تشنگی، عریانی و سرمای‌ی و مانند آن‌ها داشته باشد و هرگز خوف و ترس از دست دادن آن وجود نداشته باشد.

امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

«إصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَاصْبِرْ عَنِ مَعْاصِي اللَّهِ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهَا فَلَيْسَ تَجِدُ لَهُ سُورًا وَلَا حُزْنَ وَمَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ

الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵: ۳۱۱) بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکبیا باش، زیرا دنیا لحظه‌ای بیش نیست، آنچه گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری؛ پس لحظه‌ای را که در آن به سر می‌بری، صبور باش چنان‌که گویی خوشبخت و خوشحال هستی.

- کاهش آسیب‌های اجتماعی

از جمله ثمرات آشکار و مستتر صبر و استقامت در ارتباطات اجتماعی که به حسب تعاملات شکل گرفته حادث می‌شود، دور شدن خانواده تربیت یافته در جامعه از بزه و آسیب‌های منتج از جرم و اختلال در کارکردهای اجتماعی است؛ مقوله‌ای که اشعار به این نکته است که پی‌جویی و نهادی‌سازی معنا و مفهوم صبر و حلم در جامعه به معنای محقق ساختن شعار «پیشگیری بهتر و بلکه مقدم بر درمان است».

بر این اساس و با فراگیری آموزش و تمرین صبر و حلم در جامعه می‌توان شاهد کاهش ورودی پرونده‌های قضایی ناشی از خشونت‌های اجتماعی، طلاق، درگیری‌ها و نزاع‌های خیابانی، تصادفات جاده‌ای، تضییع حقوق شهروندی، مسائل مربوط به تبعیض و فاصله طبقاتی، مقایسه وضعیت خود با بهره‌مندی‌های دیگران و... بود. (ر. ک: هدایتی، ۱۳۹۶)

به طور کلی، نمودار آثار اشاره شده در الگوی زیر قابل مشاهده است:

نمودار ۱: الگوی تجمیعی آثار صبر و حلم



در یک جمع بندی تجمیعی و ناظر به آیه شریفه زیر، می توان چنین نتیجه گرفت:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛

(آل عمران، ۲۰۰) ای اهل ایمان! صبور باشید و با هم سازش و پیوند کنید و خداترس

باشید، باشد که رستگار شوید.

امرهای این آیه اطلاق دارد و لذا صبر در آیه، صبر بر شدائد و صبر در طاعت خدا و صبر از

معصیت همه را شامل می شود؛ در هر صورت مراد از آن به قرینه «صابروا» که در مقابلش واقع شده،

صبرهای فردی است و «مصایره»، مصدر «صابروا» عبارت از صبر و تحمل اجتماعی است و بدیهی است که صبر و تحمل عمومی و همگانی از نظر قدرت و نیرو و اثر، بالاتر از صبر و تحمل فردی است و این محسوس است که فرد به تنهایی و جدای از اجتماع با فردی که در اجتماع وابسته به آنان است، خیلی تفاوت دارد؛ چه آن‌که در ظرف اجتماع و همکاری‌های اجتماعی است که قدرت‌های فردی به یکدیگر پیوند شده و نیروی عظیمی به وجود می‌آورد. (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۷: ۱۵۴)

مطالعه موردی: ویروس کرونا

بیماری کرونا به مثابه پدیده‌ای نوظهور در عصر معاصر است که علاوه بر ماهیت ویروسی آن، جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی و سایر امور زندگی جوامع بشری را مختل کرده و متأثر از قدرت‌نمایی خود ساخته است تا جایی که حتی گردهمایی‌هایی سیاسی مثل همایش بین‌المللی اربعین حسینی با بیش از ۲۰ میلیون مشارکت‌کننده، تجمع سالانه رؤسای جمهور کشورهای دنیا در سازمان ملل متحد، مسابقات ورزشی المپیک ۲۰۲۰ توکیو، مناسبات ملی کشورها مثل مراسم اعتکاف رجبیه، زیارت اماکن مقدسه، نمازهای جمعه و جماعات و صلوات ارحام ایام نوروز در جمهوری اسلامی ایران با اختلال و عدم اجرا مواجه شدند.

این بیماری تنفسی ناشناخته که با ورود به بدن انسان، ریه‌ها و عروق و سایر اندام بدن را درگیر می‌کند، با عنوان «کروناویروس^۱» یا «کووید ۱۹^۲» برای نخستین بار و مطابق با آمار ارائه شده در شهر «ووهان» جمهوری خلق چین در ماه دسامبر سال ۲۰۱۹ میلادی مشاهده شد و با پخش جهانی آن تا به امروز که به انتهای سال ۲۰۲۰ میلادی می‌رسد، هم‌چنان اما و اگرهایی در مورد ساخت موفقیت آمیز واکسن درمانی آن وجود دارد. ویروسی با قدرت عمل بالا، امکان انتشار وسیع، تکثیر تولید مثل و جهش‌یافته در مقاطع مختلف که حدود دو میلیون نفر از جمعیت جهان را به کام مرگ کشانید و تقریباً تمامی کره زمین را درگیر ساخت. به نظر می‌رسد این حجم از درگیری جهانی با ویروسی ناشناخته که تمامی دنیا را متأثر کند، در نوع خود بی‌نظیر باشد و بتوان از آن به عنوان جنگ جهانی ویروس کرونا علیه جامعه جهانی یاد کرد.

با این تبیین مسئله، پی‌جویی «چه باید کرد» فردی و اجتماعی در مواجهه با این ویروس مرگبار که از سلسله شرور طبیعی است، مسئله‌ای حائز اهمیت است؛ این‌که مشخص شود جایگاه صبر و

-
1. United Nations
 2. Coronaviruses
 3. Coronavirus Disease 2019

استقامت و حلم را در قبال رویارویی با ویروس یافت و ضمن تجهیز خود به ایستادگی عالمانه، در مسیر مبارزه با ویروس با مراقبه و توجه کامل گام برداشت.

مطلب اول در این خصوص، تدقیقی بر آیه زیر است که ارتباط عجیبی با وضعیت امروز دنیا با مختل شدن وضعیت عمومی به واسطه تکثیر ویروس کرونا دارد:

«وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ (نحل، ۱۱۲)

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود، روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آن‌چه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به آنان چشانید.

فحص و غور در سرگذشت این شهر بی‌ارتباط با جامعه امروز نیست که مارشال مک‌لوهان^۱ کانادایی از آن با عنوان «دهکده جهانی^۲» نام برده می‌شود و به واسطه هژمونی رسانه و شبکه‌های اجتماعی^۳، دنیا را به یک جامعه در هم تنیده مبدل ساخته است. در چنین وضعیتی که شبیه با مثال همان شهر مورد اشاره در قرآن کریم است، نعمات الهی به واسطه توسعه روزافزون علم تا حدی رو به فزونی یافته که رفاه دنیوی به رفاه زدگی رسیده است؛ اما نعمات الهی برای زیادت و فزونی نیاز به شکرگزاری از خالق نعمات دارند که جدای از تحلیل ادامه این شباهت و یافتن وجه شبه کلیدی که در پژوهش‌های دیگر می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد، در ادامه آیه و سبب کفران نعمت را از دست دادن دو نعمت بزرگ معرفی می‌کند که گرسنگی را می‌توان معادل فقر گرفت و هراس را هم تراز ناامنی و با یک تعبیر معادل بیماری. به نظر می‌رسد این مطلب نیز اشاره به همان نعمات راهبردی سلامتی و امنیت دارد. این‌که وضعیت کسب و کارها و مشاغل و به طور کلی اقتصاد جوامع در کنار شدت یافتن مرگ و میر ناشی از شیوع ویروس کرونا در کنار دیگر مشکلات و سختی‌هایی که برای جوامع ایجاد شده، همگی می‌تواند مؤیدی بر کفران نعمت باشد؛ اما در عین حال، نمی‌توان به طور قطع مدعی شد که حکایت آیه شریفه در بیماری عصر حاضر مصداق‌یابی عینی دارد، هم‌چنان که نمی‌توان نسبت به نزول عذاب الهی یا دست‌ساز بودن بشری آن با قطعیت پاسخ داد؛ اما در مجموع می‌توان با مشاهده آیه شریفه مقداری به تأمل در مورد نعمات الهی که به صورت فردی یا اجتماعی عنایت شده و شکرگزاری این نعمات با نگاهی عمیق‌تر نگریست.

-
1. Marshal McLuhan
 2. Global Village
 3. Social Network

یکی از راه‌های شکر نعمات الهی، تمسک به صبر و استقامت در چنین زمانه‌ای است که ویروسی مهلک به جان جامعه بشری رسوخ کرده و شاید هر سه جنبه مورد اشاره در متن پژوهش را در بر بگیرد؛ چرا که هم صبر هنگام مصیبت را واجد است به واسطه از دست دادن عزیزان یا مشاهده بیماری ایشان و سایر انسان‌ها، هم صبر بر طاعت را داراست به سبب حفظ اتصال ارتباط با خدا و خسته نشدن و از دست ندادن روحیه مقاومت و هم شامل صبر از مصیبت است که ضمن متوجه شدن انسان به ناشکری‌های گذشته و قدر دانستن نعمات و رعایت جنبه‌های شکر عملی، تجنب از گناه را موجب می‌شود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود به منظور ملکه شدن و درونی‌سازی حلم و استقامت در خود و سایرین، راهبردهای متناسب با اقتضائات زمانی و مکانی عصر معاصر را پی گرفت که از جمله این راهبردها می‌توان به موارد هشت‌گانه زیر اشاره کرد:

۱. به مقاوم‌سازی فردی، خانوادگی و اجتماعی با رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی اعلام شده توسط ستاد ملی کرونا و متخصصان حوزه سلامت از جمله استفاده از ماسک و فاصله‌گذاری اجتماعی پرداخت.
۲. در مواجهه با بیماری و در فضای مجازی با صبر و حوصله به شبهات متکثر پاسخ داد و اجازه نداد ذهنیت جامعه به افکار منفی سوق داده شود.
۳. با توجه به طول کشیدن دوره شیوع ویروس که ممکن است با توجه به عدم ساخت واکسن آن تاکنون، مدتی دیگر نیز به درازا بینجامد، صبر و استقامت در برابر آن و خسته نشدن از رعایت دستورالعمل‌ها و فاصله‌گذاری‌ها را همواره برای خود و دیگران متذکر شد. به ویژه با تزریق اکسیر صبر به خانواده‌های مصیبت‌زده که عزیزان خود را از دست داده و بیش از دیگران به داروی شفابخش صبر و پایداری نیاز دارند.
۴. تا حدی که برای هر فرد ممکن است، نسبت به کمک‌های عملی به پاکسازی و رعایت بهداشت عمومی و اجتماعی به ویژه در محیط‌هایی مثل محل کار، مراکز تجمع، مترو و سایر وسایل نقلیه مسافربری همت گماشت.
۵. با توجه به تعطیلی کسب و کارهای فراوان، افرادی که از وضعیت اقتصادی بهتری برخوردارند، مناسب است به دستگیری و یاری به اطرافیان و کسبه‌ای پردازند که از تعطیلی مشاغل ضربه می‌خورند؛ به ویژه در فضایی که رکود تورمی بی‌سابقه‌ای بر داخل کشور حکمفرماست و تدبیر اقتصادی نظام اجرایی کشور در تاریخ مدیریت کلان اقتصادی از نمره قابل قبولی برخوردار نیست.

۶. با مطالعه و پژوهش در مورد این ویروس و راه‌های مقابله با آن چه به صورت آزمایشگاهی برای اهل آن و چه به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و توصیفی در جهت تجهیز علمی جامعه و به ویژه کاربران فضای مجازی تلاش نمود.

۷. به جای امید بستن به روش قرنطینه و تعطیلی عمومی جامعه که به مثابه یک مسکن کوتاه‌مدت است و در بلندمدت نمی‌تواند راهکاری عملیاتی باشد، به نظر می‌رسد راهکار جایگزین در مطابقت دادن خود با شرایط و آموزش زیست با ویروس کرونا است.

۸. مداومت روزانه و مستمر به ورزش و تغییر سبک زندگی به واسطه عدم تحرک و کار به اصطلاح «پشت میز نشینی» و تغییر رژیم غذایی با استفاده بیشتر از مواد مقوی مثل آجیل و خشکبار، مرکبات و مصرف غذاهای طبیعی به مثابه راهکاری مهم برای تقویت قوای جسمی در پیشگیری از مبتلا شدن به کرونا و تقویت جسم با همین تأکید برای دوران ابتلا به کرونا یا دوران پساکرونا به سبب جلوگیری از ابتلای مجدد.

سایر پیشنهادها نیز به همین سبک و سیاق می‌تواند در راستای مواجهه معنوی و علمی با این ویروس به تقویت روحیه ایستادگی و صبر برای خود و سایرین منجر شود تا زمانی که واکسن آن ساخته شود و شرایطی مهیا شود که به صورت عام و به وفور برای همگان قابل استفاده باشد. بیان این نکته نیز لازم است که مسئله‌ای مثل ویروس کرونا در عین تمامی مشکلات و تنگنانهایی که داشت و به خصوص به مرگ انسان‌های زیادی منجر شود، نکات آموزنده‌ای نیز داشت که می‌تواند برای امروز و فردایی که این پیچ تاریخی نیز به سر خواهد آمد، مورد استفاده قرار گیرد؛ لذا «درس‌های کرونا» را می‌توان مدنظر قرار داد؛ از جمله درس‌های هشت‌گانه زیر:

۱. سوق دادن جوامع به سمت ضرورت تحقق «دولت الکترونیک»^۱ و به تبع آن «جامعه الکترونیک»^۲ و ضرورت حرکت به سمت حذف استفاده از پول کاغذی و سایر استفاده‌ها از کاغذ و به اصطلاح «کاغذبازی» در نظام اداری و اجرایی

۲. جدی‌تر شدن طرح مباحثی مثل «کوچک‌سازی دولت»، «خصوصی‌سازی» و تغییر سیاست‌های کلان دولتی از تصدی‌گری به سیاست‌گزاری و تمرکز بر عمومی‌سازی راهبردهای متنوعی از قبیل «دورکاری»، «کار در خانه»، «کسب و کارهای خانوادگی» و نظام اداری شناور

۳. درک عملی منطق مستتر در «اقتصاد مقاومتی» با درون‌زایی درونی و اتکا به جوانان و نیروهای داخلی در تولید جهادگونه ماسک، وسایل ضد عفونی کننده، کیت‌های تشخیص کرونا و سایر ملزومات مواجهه با ویروس کرونا
۴. سوق دادن نظام آموزشی به سمت بهره‌گیری بیشتر و پیشتر از آموزش مجازی
۵. شناخت جایگاه و اهمیت فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی چه از حیث اقتصادی و درآمدزایی و چه از حیث امنیتی یا اثرگذاری آن در ایجاد تعامل میان مردم و دولت‌ها
۶. کاستن هزینه‌های زائد مبتنی بر پدیده موسوم به «چشم و هم‌چشمی» و تجملات و تشریفات زائد در برگزاری مراسم عروسی و عزا
۷. ایجاد فرصتی برای مطالعات کلامی و فلسفی با استفاده از اوقات فراغت ایجاد شده در مسئله شرور و ارتباط عالم به مثابه خلقت احسن با ویروس کرونا به مثابه یک شر طبیعی و رسیدن به پاسخی اقناعی به منظور رفع تشویش‌های ذهنی و رسیدن به ساحل آرامش و سکینه قلبی (مراجعه به کتاب «عدل الهی» شهید مطهری، ۱۳۹۶، بخش‌های چهارم و پنجم با عنوان «شرور» و «فواید شرور» و عدمی و نسبی بودن شرور)
۸. درک قرابت زمانی و معنایی مرگ برای انسان و زنده نگاه داشتن پدیده «یاد مرگ» به سبب فراوانی مرگ و میرهای ناشی از شیوع ویروس از یکسو و نمایش بی‌اعتباری و فانی بودن دنیا از سوی دیگر

در کنار این درس‌ها، عبرت از نتیجه غرور و به اصطلاح علم مدرن با معنای خودبنیادی آن ذیل مبانی «اومانیسمی»^۱ با منطق «خودخدایی» یا «دئیسمی»^۲ با منطق انکار ربوبیت الهی و سایر جنبه‌های قطع شدن مبدأ و معاد که به انکای بشر به عقلانیت خودبنیاد منجر شد، می‌توان به عجز و ناتوانی بشر متکی به خود و بریده از مبدأ و معاد در دستگاه خلقت الهی پی برد؛ هم‌چنان که یک روز سپاه ابرهه با سنگریزه‌های پرندگانی کوچک؛ مغلوب غرور و کفر خود شدند، (ر. ک: سوره فیل، ۵-۱) امروز نیز ویروس - فقط و تنها فقط - پنج گرمی کرونا دامن بی‌اعتباری علم مدرن را نمایان ساخت؛ علمی که با آن حجم از غرور به قدرت فناوری خود می‌بالید، اما بیش از یک سال است که نه تنها نتوانسته واکسن مقابله با ویروس را نهایی کند؛ بلکه حتی در مورد منشأیابی و شناخت ویروس «کرونا به ما هو کرونا» به جمع‌بندی و وحدت نظر دست نیافته است.

1. Humanism
2. Deism

اعجاب‌انگیزی مسئله از آن‌جا بیشتر می‌شود که در فهرست ابتدایی کشورهای بیشتر آلوده به ویروس با نرخ مرگ و میر بالاتر، همان کشورهایی هستند که خود را محور توسعه جهانی دانسته و سایر کشورها را به مثابه زیرمجموعه خود و با عنوان مجعول «جهان سوم» یاد می‌کنند. کشورهای به ظاهر توسعه یافته‌ای که در مواجهه با بیماران کرونایی و به دلایل مدیریتی و البته اعتقادی، در برهه‌های حساس با مقدم دانستن درمان بیماران جوان، بیماران سالخورده را می‌رانند؛ در حالی که در جمهوری اسلامی ایران به منظور جلوگیری از این بحران انسانی، حتی نیروهای نظامی و انتظامی و طلاب علوم دینی و سایر اقشار پای کار کمک به نظام درمانی آمدند و از طرفی با کاهش هزینه‌های درمان و آموزش بیماران به عدم مراجعه به بیمارستان‌ها برای موارد جزئی به دلیل جلوگیری از انتقال عفونت‌های بیمارستانی، نمایشی از اخوت و مواسات در عصر به اسارت گرفته شده نظام مدرنیته¹ به منظر و مرئای جهانیان قرار داده شد. هر چند برخی بی‌تدبیری‌های مدیریتی در داخل کشور، عاملی برای شدت یافتن میزان مرگ و میرها به ویژه در موج سوم کرونا شد؛ اما نوع مواجهه انسانی کشور با پدیده کرونا در قیاس با نظام‌های تابع مدرنیته، به نظر قیاسی مع الفارق است.

نکته دیگر نیز دوگانه‌سازی طب شیمیایی و طب سنتی در وضعیت آشفته علم مدرن عصر معاصر است؛ این‌که گاهی فراموش می‌شود فلسفه طب، نجات جان بیماران و حفظ و بازیابی سلامتی جسم با منطق «پیشگیری بهتر از درمان است»، می‌باشد که در این مسیر نیز باید از همه ظرفیت‌های طب چه با بهره‌گیری از متخصصان طب جدید با توسل به علم شیمی و آزمایشگاه و چه کارشناسان مورد تأیید طب سنتی که ریشه‌های درمان را در دل زمین و گیاهان و طبع و مزاج‌شناسی و سایر سازوکارهای این طب می‌سنجند، بهره‌گرفت و با تعصبات منفی به این دوگانه‌سازی‌ها دامن نزد.

نتیجه‌گیری

صبر و استقامت به عنوان شاخصی است که فضایل اخلاقی و ملکات انسانی را در فرهنگ و معارف دینی هم‌چون سنجه‌ای با دایره شمول گسترده نقش‌بندی می‌کند؛ این سنجه نیز بسان سایر فضایل و ملکات و هماهنگ با آن‌ها می‌تواند به عنوان عاملی مهم در راستای رشد و ارتقای فردی، مادی و معنوی انسان و جامعه در مسیر رفاه دنیوی و سعادت‌مندی اخروی و در مجموع قرب الی الله باشد؛ لذا هر چه بر میزان و قواره‌مندی صبر و استقامت افزوده شود، مقابله با شدائد و سختی‌ها نیز بر انسان ساده‌تر خواهد شد؛ چرا که رابطه مستقیمی میان صبر و استقامت با ساده شدن شدائد ایجاد خواهد شد.

به بیان دیگر، امساک در تنگناها و خویشترنداری به مقتضای عقل و شرع یا حبس نفس از چیزی که عقل و شرع حبس نفس از آن را اقتضا کند، ثمره صبر و حلم در برابر شدائد است که موجب می‌شود انسان بی‌تاب نشده و کم‌نیامد و خود را در مواجهه با مشکلات، تنها نبیند؛ لذا انسان صابر و حلیم همواره با توکل به خدا و استعانت از صبر و حلم از چالش‌ها استقبال می‌کند و به مبارزه با چالش‌ها می‌رود و هر گاه در مصیبتی واقع شود و زمینه‌های معصیت برایش مهیا شود، صحنه‌های اطاعت و بودن در محضر خدا را به یاد می‌آورد و با کنترل نفس از به دام افتادن جلوگیری می‌کند.

نتایج این تحقیق توصیفی نشان می‌دهد صبر و استقامت و بردباری آثار فراوانی بر زندگی فردی و خانوادگی و جمعی انسان‌ها داشته و دارد که هر چه بر غنای آن از حیث کمی و کیفی افزوده شود و تجهیز انسان در مواجهه با شدائد و سختی‌ها بیشتر شود، کیفیت مواجهه نیز بهتر و مفیدتر خواهد شد و زندگی از نظم و نسق شایسته‌تری در مسیر بندگی خدا و قرب الی‌الله برخوردار خواهد بود؛ لذا منطق کیفی حلم و استقامت ورزی در عصر معاصر و به ویژه زمان اینک که شیوع ویروس کرونا که از سلسله شرور طبیعی است، زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را مختل کرده و قرابت با مرگ بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، ضرورت معنایی و بار مفهومی خود را به صورت غنا یافته‌ای نمودار می‌سازد و به همین منظور، بحثی مستوفی در باب این ویروس و کیفیت‌شناسی مواجهه با آن ارائه شد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۸). گفتاری در باب صبر. تهران: انتشارات امت.
۴. آلوسی بغدادی، محمود شکری (بی‌جا). روح المعانی: بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی (۱۴۰۳). الخصال. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۶. ابن شعبه حرانی، علی بن الحسین (۱۴۰۰). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. تهران: انتشارات اسلامی.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرر الحکم ودرر الکلم. قم، دار الکتب الاسلامی.
۹. التنوخی، المحسن بن علی (۱۳۹۸). فرج بعد شدة. بیروت: دار الصادر.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۲). مفردات فی غریب القرآن. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: نشر مرتضوی.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). المفردات فی غریب القرآن. تحقیق صفوان عدنان. بیروت: دار القلم.

۱۲. انصاری، خواجه عبدالله بن محمد (۱۳۸۰). مناجات‌نامه خواجه عبدالله انصاری. به اهتمام داود روسانی. تهران: انتشارات نگاه.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). ادب فنای مهربان. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). بخشی از تفسیر سوره «فصلت». قم: پایگاه اطلاع رسانی اسراء.
۱۵. حبیبیان، احمد (۱۳۶۹). مرز فضایل و رذایل اخلاق: تحلیلی از واژه‌های اخلاقی متقارن. تهران: انتشارات مطبوعات دینی.
۱۶. حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.
۱۷. سید بن طاووس (۱۳۸۵). لهوف. ترجمه علیرضا رجالی تهرانی. چاپ ۱۰. قم: انتشارات نبوغ.
۱۸. شیروانی، علی (۱۳۷۹). شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری. تهران: الزهراء علیها السلام.
۱۹. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. ترجمه محمدرضا صالحی کرمانی. چاپ ۲. قم: دار العلم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. بتحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (بی تا). حقایق. ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی. تهران: انتشارات شمس.
۲۲. قمی، ابن بابویه (بی جا). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. ترجمه علی اکبر غفاری. تهران: بی جا.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. محمدشاهی، مریم. صبر. حلقه علمی بلاغ: گروه تبلیغ و تربیت اسلامی.
۲۵. مشرف الشامی العاملی، نورالدین (۱۳۴۲). مسکن الفؤاد. نجف: بی جا.
۲۶. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲). پند جاوید. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). حکمت‌ها و اندرزها. تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۹۶). عدل الهی. تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. معین، محمد (۱۳۸۵). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات گلی.
۳۱. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد. قم: المؤتمر العالمي لإلفية الشيخ المفید.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر. و جمعی از نویسندگان (۱۳۶۳). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۳. هدایتی، فریفته (۱۳۹۶). نقش مؤثر مدارای اجتماعی در کاهش آسیب‌های اجتماعی. پژوهش خبری صدا و سیما: <http://www.iribnews.ir/fa/news/1668213>